

﴿ فصلنامه علمی □ پژوهشی زن و فرهنگ

سال چهارم . شماره چهاردهم . زمستان ۱۳۹۱

صفحات: ۱۷-۹ □

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۷/۱۷- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۳

پیش بینی رضایتمندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد

* ملیحه شهرستانی

** محسن دوستکام

*** حمید رهباندار

**** علی مشهدی

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش بینی رضایتمندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد بود. آزمودنی □ های پژوهش ۱۲۵ زن متقاضی طلاق و ۱۲۵ زن مایل به ادامه زندگی مشترک (جمعاً ۲۵۰ نفر) بودند که به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند. همه افراد نمونه به کمک سیاهه باورهای ارتباطی (RBI) و پرسشنامه صمیمیت زناشویی، ارزیابی شدند. برای تحلیل داده □ ها افزون بر روش □ های آمار توصیفی، روش تحلیل ممیز نیز به کار رفت. نتایج به دست آمده فرضیه □ های پژوهش را تایید کرد و نشان داد که رضایتمندی زناشویی را می □ توان از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در دو گروه متقاضی طلاق و عادی پیش بینی نمود.

کلید واژگان: باورهای ارتباطی، صمیمیت زناشویی، رضایتمندی زناشویی، طلاق.

* دانشگاه علامه طباطبائی، کارشناس ارشد مشاوره خانواده، تهران، ایران. (نویسنده مسئول، shahrestany_1366@yahoo.com).

** دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، اهواز، ایران.

*** دانشگاه علامه طباطبائی، دکتری سنجش و اندازه گیری، تهران، ایران.

**** دانشگاه فردوسی، دانشیار گروه روانشناسی، مشهد، ایران.

مقدمه

رضایت زناشویی^۱ یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است. به عبارت دیگر، یکی از جنبه های حیاتی یک سیستم زناشویی، رضایتی است که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می-کنند (گرچف، جان و هلسون^۲، ۲۰۰۸). با این وجود آمار طلاق که معتبرترین شاخص آشفته‌گی زناشویی است نشانگر آن است که رضایت زناشویی به آسانی قابل دستیابی نیست (لین و راگویر^۳، ۲۰۰۵).

در بررسی علت طلاق علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، توجه به علل فردی و روانشناختی از جمله عدم وجود صمیمیت زناشویی^۴ و باورهای ارتباطی^۵ که منجر به طلاق می-شوند از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به طوری که در مطالعه ای از ۱۱۶۰ درمانگر خواستند مشکل ترین حوزه های اختلافات زوجین را درجه بندی کنند که آن ها به ترتیب ارتباطات، انتظارات غیر واقعی از ازدواج و همسر، فقدان صمیمیت و نشان ندادن علاقه را به عنوان مهم ترین جنبه های مشکلات زناشویی معرفی کردند (مظلومی، ۱۳۸۶).

تحقیقات نشان داده است که برای ازدواج رضایت بخش، برقراری و تداوم ارتباط^۶ اثربخش ضروری است. برقراری ارتباط یکی از مهارت های اصلی زندگیست (اسلامی، ۱۳۸۵؛ گاتمن و نوتریس^۷، ۲۰۰۰؛ مارکمن و هالفورد^۸، ۲۰۰۵؛ دبور، رمانس و کرشاک^۹، ۱۹۹۶؛ متز و کاپاچ^{۱۰}، ۱۹۹۰). به اعتقاد ستیر^{۱۱} (ترجمه بیرشک، ۱۳۸۳) فنون ارتباطی که مردم در ارتباط با دیگران به کار می-برند، نشانگرهای مورد اعتبار کارکرد بین فردی است و اهمیت این امر خصوصاً در تعاملات زناشویی و رضایتمندی از رابطه محرز است.

یکی از عواملی که می-تواند اثربخشی یک ارتباط را تضعیف کرده و موجب عدم درک درست پیام فرستاده شده یا به عبارتی رمزگشایی صحیح آن شود عبارت است از: باورهای^{۱۲} غلط، پیش داوری^{۱۳} ها و نگرش های منفی (فینچام و برادبری^{۱۳}، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۳؛ مولر و مرو^{۱۴}، ۱۹۹۷؛ مولر و ونزیل^{۱۵}، ۱۹۹۱؛ آدیس و برنارد^{۱۶}، ۲۰۰۰؛ نیکل^{۱۷}، ۲۰۰۶). در واقع هرچه

1. marital satisfaction

2. Gorchoff, John & Helson

3. Lin & Raghbir

4. marital intimacy

5. relationship belief

6. communication

7. Gottman & Notarius

8. Markman & Halford

9. Debord, Romans & Krieschok

10. Metts & Cupach

11. Satir

12. belief

13. Fincham & Bradbury

14. Moller & Merwe

15. Moller & Vanzeyl.

هرچه حوزه شناختی دو عنصر ارتباط یعنی گیرنده و فرستنده پیام از یکدیگر دورتر باشد، اثربخشی ارتباط کمتر خواهد بود (هارجی^{۱۸}، ۱۹۹۴، ترجمه فیروزبخت و بیگی، ۱۳۸۵؛ سالیوان و سوییل^{۱۹}، ۱۹۹۵).

در این پژوهش بر اساس تعریف آیدلسون و اپشتاین^{۲۰} (۱۹۸۲) منظور از باورهای ارتباطی، عقیده یا ذهنیتی است که زن و شوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته اند و منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد^{۲۱}، آن دسته از باورها و تفکرات غیر منطقی می باشد که مختص رابطه زناشویی است و در اثر استفاده افراطی ایجاد مشکل نموده است که شامل پنج باور بدین شرح است: الف) باور به اینکه مخالفت تخریب کننده است^{۲۲}: زمانیکه زوجین فکر می کنند قدرت کافی برای تحمل مشکل ندارند، سعی می کنند از بروز مشکل و اختلاف در روابط زناشویی جلوگیری کنند، ب) باور به عدم تغییرپذیری همسر^{۲۳}: زمانی است که یکی از زوجین رفتار ایده آل و قابل قبولی نداشته باشد و زوج دیگر پندارد که چنین رفتار و وضعیتی وحشتناک است و در واقع هرگز تغییرات مثبت در رابطه زناشویی رخ نمی دهد، پ) باور توقع ذهن خوانی^{۲۴}: زن و شوهر به علت وابستگی عمیق شان به یکدیگر فکر می کنند باید قادر باشند نیازهای طرف مقابل را درک و در واقع ذهن خوانی کنند بدون اینکه نیازی به مطرح کردن مستقیم آن ها باشد، ت) کمال گرایی جنسی^{۲۵}: چنانچه همسری در رابطه جنسی اش عالی نباشد ناکام و شکست خورده است. ریشه این باور را در باور حکم کنندگی، نیازمندی، و کمال گرایی می توان یافت و ث) باور به تفاوت های جنسیتی^{۲۶}: (زن و مرد متفاوتند): باورهای قالبی هستند که اساس علمی ندارند و مردم پیشاپیش ویژگی های خاصی را به دو جنس نسبت می دهند (آیدلسون و اپشتاین، ۱۹۸۲). از دیگر عوامل تعیین کننده نارضایتی یا رضایتمندی از رابطه زناشویی مفهوم صمیمت است. مطالعات و تجارب بالینی نشان می دهد که در جامعه معاصر، زوج ها مشکلات شدید و فراگیری را در هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و سازگاری با یکدیگر تجربه می کنند (باگاروزی^{۲۷}، ۲۰۰۱). مطالعات نشان می دهد که بر خورداری از صمیمت در میان

16. Addi & Bernard.

17. Nickl

18. Hargie

19. Sullivan & Swebel

20. Eidelson & Epstein

21. irrational relationship belief

22. disagreement is destructive.

23. partner can not change

24. mind reading is expected

25. sexual perfectionism.

26. the sexes are different

27. Bagarozzi

زوج □ های متاهل، از عوامل مهم ایجاد ازدواج □ های پایدار است (کرافورد و آنگر^{۲۸}، ۲۰۰۴) و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه، از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی می □ شود (بلوم^{۲۹}، ۲۰۰۶).

استرنبرگ^{۳۰} (۱۹۸۷) صمیمیت را رفتارهایی می □ داند که نزدیکی عاطفی را افزایش می □ دهد. نزدیک بودن عاطفی شامل حمایت و درک متقابل، برقراری ارتباط و سهیم کردن خود، فعالیت □ ها و دارایی □ هایمان با فرد دیگر است (به نقل از پیلج، لوتین، آریندل^{۳۱}، ۲۰۰۵). باگاروزی (۲۰۰۱) اعتقاد دارد صمیمیت یک نیاز اساسی انسانی است. صمیمیت به عنوان نزدیکی، تشابه و رابطه شخصی دوست داشتنی با شخص دیگر است و مستلزم آگاهی، درک عمیق، پذیرش و بیان افکار و احساسات است. صمیمیت یک فرآیند تعاملی، پویا و ترکیبی است. باگاروزی مولفه □ های صمیمیت را به نه حیطه تقسیم می □ کند که عبارتند از (۱) صمیمیت عاطفی: نیاز به در میان نهادن و سهیم شدن در کلیه احساسات اعم از احساسات مثبت و احساسات منفی با همسر، (۲) صمیمیت روانشناختی: نیاز به در میان نهادن، ارتباط برقرار کردن و پیوند با یک فرد از طریق افشای مطالب مهم و عمیق و مسائل معنادار فردی در مورد خود حقیقی یا درونی، (۳) صمیمیت عقلانی: نیاز به سهیم شدن و در میان نهادن ایده □ ها، افکار و باورهای مهم با یک شریک یا همسر، (۴) صمیمیت جنسی: نیاز به در میان نهادن، سهیم شدن و ابراز افکار، احساسات و خیال پردازی □ های جنسی با همسر، (۵) صمیمیت جسمی: نیاز به نزدیکی فیزیکی با همسر که نباید با صمیمیت جنسی که هدف از آن ایجاد برانگیختگی جنسی بود، اشتباه گرفته شود، (۶) صمیمیت معنوی: نیاز به سهیم شدن افکار، احساسات، عقاید و تجارب خود با همسر که به نوعی با مذهب و مفاهیم آن در ارتباط است، (۷) صمیمیت زیباشناختی: نیاز به سهیم شدن افکار، احساسات، عقاید و تجاربی که از نظر فرد هیجان انگیز، نفس گیر و زیبا هستند، (۸) صمیمیت اجتماعی-تفریحی: نیاز به درگیر شدن و مشارکت در فعالیت □ ها و تجارب تفریحی و لذت بخش با همسر، (۹) صمیمیت زمانی: میزان تمایل زوجین برای گذراندن وقت با همسر خود و انجام فعالیت □ های صمیمانه. در رابطه با نقش باورهای ارتباطی ناکارآمد و صمیمیت زناشویی، تحقیقات متعددی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که به ذکر نمونه □ هایی از آن □ ها پرداخته می شود:

نتایج پژوهش نیکل (۲۰۰۶) که به بررسی رابطه باورهای ارتباطی با سازگاری زناشویی در ۲۷۹ زوج پرداخت، نشان داد که بین باورهای ارتباطی غیرمنطقی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. هر قدر باورهای ارتباطی غیرمنطقی بیشتر باشند سازگاری زناشویی کاهش می □ یابد. نتایج پژوهش اسلامی (۱۳۸۵) که به بررسی نقش باورهای ارتباطی بر پیوستگی و کارکرد خانواده بر روی ۲۰۰ نفر از زوجینی که به دادگاه خانواده در شهر تهران مراجعه کرده

28. Crawford & Unger

29. Blum

30. Strenberg

31. Pielage, Luteinjin & Arrindell

بودند انجام شده بود نیز نشان داد که خرده مقیاس‌های عدم تغییرپذیری همسر، تفاوت-های جنسی و کمال گرایی جنسی در بین زنان و مردان با پیوستگی و سازش پذیری کارکرد خانواده ارتباط معنی داری دارد. نتایج پژوهش‌های محققان دیگر نیز نشانگر آن است که تفکر غیر-منطقی با ناراضیاتی زناشویی و طلاق رابطه دارند (سلیمانان راد، ۱۳۷۲؛ جمعه اسدآباد، ۱۳۸۰). به عقیده آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) نیز نافذترین و پایدارترین متغیرهای شناختی که در ناراحتی زناشویی نهفته می-باشند باورهای افراطی درباره خود شخص، شریک زندگی و ماهیت تعاملات زناشویی است. سایر صاحب نظران نشان داده اند که چسبیدن به باورهای غیرمنطقی توسط یکی یا هر دو شریک زندگی به ناراحتی و ناراضیاتی زناشویی می-انجامد.

همچنین نتایج تحقیقات مختلف نشان می-دهد که بین صمیمت زناشویی و رضایتمندی از رابطه نیز همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد؛ یعنی با افزایش صمیمت، رضایت زناشویی نیز افزایش می-یابد و بالعکس. داس و سیمپسون و کریستسون^{۳۲} (۲۰۰۵) در پژوهش خود بر روی ۱۴۷ زوج دریافتند که یکی از دلایل اصلی مراجعه زوجین به کلینیک‌ها جهت دریافت خدمات روان درمانی، صمیمت پایین یا فقدان روابط صمیمانه است. تحقیقات مختلف دیگر نیز رابطه مستقیم بین صمیمت و رضایتمندی زناشویی را نشان می-دهد (اسچافر و اولسون^{۳۳}، ۱۹۸۱؛ تولستد و استوکس^{۳۴}، ۱۹۸۳، کردوا، جی، وارن^{۳۵}، ۲۰۰۵).

شناخت عوامل مؤثر در روابط زناشویی، مهار و مدیریت آن یکی از روش‌های درخور توجه در حل مشکلات زناشویی و رسیدن به رضایت از زندگی زناشویی به شمار می-رود. شناخت این عوامل نه تنها به خانواده درمانگر کمک می-کند تا مشکل را تشخیص دهد، بلکه به زوجین نیز یاری می-رساند تا با آشنایی با این عوامل به ایجاد، تقویت و یا اصلاح این متغیرها پرداخته، به رضایتمندی دست یابند. هدف از پژوهش حاضر نیز دستیابی به یک مدل پیش بینی عضویت گروهی (زنان عادی و زنان متقاضی طلاق) می-باشد که بتواند رضایتمندی زناشویی را از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمت زناشویی پیش بینی کند.

طرح پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی از نوع پیش بینی است و با هدف پیش بینی عضویت گروهی (زنان عادی و خواهان طلاق) و دستیابی به معادله ممیز طراحی شده است.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان متقاضی طلاق و زنان عادی بود که در فاصله زمانی خرداد تا بهمن ماه ۱۳۹۰ در شهر مشهد زندگی می-کردند. در واقع، جامعه زنان متقاضی طلاق آن دسته افرادی بودند که در فاصله زمانی مذکور جهت تقاضای طلاق به دادگستری شهر

32. Doss, Simpson & Christensen

33. Schaefer & Olson

34. Tolstedt & Stokes

35. Cordova, Gee & Warren

مشهد مراجعه نمودند و منظور از جامعه زنان عادی آن دسته از افراد متاهلی است که در تاریخ مذکور در شهر مشهد در حال ادامه زندگی خود بودند و تاکنون سابقه مراجعه به دادگستری برای حل اختلافات نداشتند. برای انتخاب نمونه از بین افراد جامعه، ۱۲۵ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر مشهد و ۱۲۵ نفر از زنان ساکن شهر مشهد که طبق اظهار نظر خودشان مایل به ادامه زندگی مشترک بوده و از رابطه با همسرشان رضایتمند هستند به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند.

ابزار اندازه گیری

۱- سیاهه باورهای ارتباطی (RBI)^{۳۶}: این سیاهه یک پرسشنامه ۴۰ سوالی است که برای اندازه گیری باورهای غیرمنطقی در مورد روابط زناشویی توسط آیدلسون و ایشتاین (۱۹۸۲) ساخته شده و دارای ۵ خرده مقیاس است که عبارتند از: باور تخریب کنندگی مخالف، باور به عدم تغییرپذیری همسر، توقع ذهن خوانی، کمال گرایی جنسی و باور به تفاوت های جنسیتی. پاسخنامه سیاهه باورهای ارتباطی با طیف لیکرت شامل کاملاً غلط تا کاملاً درست می باشد. با جمع زدن امتیازات مربوط به عبارت هر خرده مقیاس، نمره خرده مقیاس مربوط محاسبه و با جمع کردن نمره هر خرده مقیاس، نمره کل باورهای ارتباطی محاسبه می شود. در این سیاهه نمره بالا نشان دهنده داشتن باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی است. نمره های خرده مقیاس توسط جدولی محاسبه می - گردد (مظاهری و پوراعتماد، ۱۳۸۰).

ایشتاین و آیدلسون (۱۹۸۲) در تحقیق خود نشان دادند که پایایی سیاهه باورهای ارتباطی با ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس ها از ۷۲ تا ۸۱ درصد برآورد شده است و همچنین در تحقیقاتی که توسط کامپ، ساندرومن، کرول و رافان^{۳۷} (۱۹۸۷)، نقل از اسلامی، (۱۳۸۵) سیاهه باورهای ارتباطی دارای پایایی درونی مناسب در دامنه (۷۴ تا ۸۳) و پایایی بازآزمایی ۱۰/۷۶ = بود. نسخه فارسی این ابزار توسط مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۰) تهیه شده است که در آن آلفای کرونباخ محاسبه شده، ۰/۷۵ می باشد. حیدری، مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۴) در پژوهش خود آلفای کرونباخ یا همسانی درونی این سیاهه برای خرده مقیاس ها را ۰ تا ۰/۷۰ به دست آورد. دهشیری (۱۳۸۴) در پژوهش خود آلفای کرونباخ یا همسانی درونی این سیاهه را ۱۰/۷۸ = گزارش کرده است.

۲- پرسشنامه صمیمیت زناشویی: پرسشنامه صمیمیت زناشویی برای اولین بار در ایران توسط اولیاء (۱۳۸۵) ساخته و هنجاریابی شده است. این پرسشنامه شامل ۸۷ سوال و ۹ خرده مقیاس است که عبارتند از صمیمت عاطفی، روانشناختی، عقلانی، جسمانی، جنسی، معنوی، اجتماعی و تفریحی و زیباشناختی و صمیمت کلی. هر سوال در طیف لیکرت به صورت چهار گزینه ای از همیشه (نمره ۴) تا اصلاً (نمره ۱) پاسخ داده می شود. حداکثر نمره در این پرسشنامه ۳۴۸ و حداقل نمره ۸۷ می باشد. نمره بیشتر نشانگر صمیمت بالاتر و نمره کمتر به

³⁶. Relationship Belief Inventory

³⁷. Kamp, Sanderman, Raffan

معنی صمیمت کمتر است. ضریب آلفای این آزمون برای کل پرسشنامه توسط سازنده آن اولیاء (۱۳۸۵)، ۰/۹۲ گزارش شده است.

یافته های پژوهش

طبق هدف پژوهش فرضیه □هایی به شرح زیر تدوین شد؛

فرضیه اول: □رضایت‌مندی زناشویی در زنان عادی و متقاضی طلاق بر اساس متغیر باورهای ارتباطی قابل پیش بینی است.

فرضیه دوم: رضایت‌مندی زناشویی در زنان عادی و متقاضی طلاق بر اساس متغیر صمیمت زناشویی قابل پیش بینی است.

فرضیه سوم: □رضایت‌مندی زناشویی در زنان عادی و متقاضی طلاق بر اساس ترکیب خطی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمت زناشویی قابل پیش بینی است.

جدول ۱، میانگین و انحراف معیار نمره های دو گروه متقاضی طلاق و عادی در متغیرهای پیش بین

متغیرهای پیش بین	زنان متقاضی طلاق		زنان عادی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
باورهای ارتباطی	تخریب کنندگی مخالفت	۲۵/۵۹	۴/۱۸	۴/۳۰
	ذهن خوانی	۲۵/۷۲	۳/۵۰	۵/۰۳
	عدم تغییر پذیری	۲۴/۰۹	۴/۲۸	۵/۱۸
	کمال گرایی جنسی	۲۲/۰۲	۴/۴۲	۵/۲۹
	تفاوت های جنسیتی	۲۳/۵۴	۳/۸۲	۳/۸۱
صمیمت	عاطفی	۲۰/۶۸	۳/۵۸	۴/۶۲
	عقلانی	۱۹/۳۵	۳/۳۷	۳/۹۲
	جسمانی	۱۴/۳۸	۳/۰۸	۳/۱۴
	اجتماعی-تفریحی	۱۵/۸۸	۳/۹۹	۴/۳۲
	ارتباطی	۱۸/۳۸	۴/۳۴	۷/۸۹
	معنوی	۱۷/۷۴	۴/۲۴	۵/۱۶
	روانشناختی	۱۵/۹۹	۴/۰۷	۵/۶۸
	جنسی	۱۷/۳۹	۳/۰۶	۴/۹۴
	کلی	۲۰/۷۷	۲/۳۱	۷/۱۴

همانطور که در جدول ۱ دیده می □شود، میانگین نمرات گروه متقاضی طلاق در همه متغیرهای پیش بین باورهای ارتباطی بیشتر از نمرات گروه عادی می □باشد. بیشترین میانگین در افراد گروه طلاق مربوط به متغیر پیش بین توقع ذهن-خوانی (۲۵/۷۲) و کمترین میانگین مربوط به متغیر پیش بین کمال گرایی جنسی (۲۲/۰۲) است. در گروه عادی بیشترین میانگین مربوط به متغیر پیش بین تفاوت □های جنسیتی (۲۲/۲۱) و کمترین میانگین مربوط به متغیر پیش بین کمال گرایی جنسی (۲۰/۱۳) می □باشد. همچنین نتایج جدول ۱ نشان می □دهد که میانگین نمرات گروه متقاضی طلاق در همه متغیرهای پیش

بین صمیمیت زناشویی پایین تر از گروه عادی است. کمترین میانگین در افراد گروه طلاق مربوط به متغیر پیش بین صمیمیت جسمانی (۱۴/۳۸) و بیشترین میانگین مربوط به صمیمیت کلی (۲۰/۷۷) است. در افراد گروه عادی کمترین میانگین مربوط به متغیر پیش صمیمیت اجتماعی-تفریحی (۲۰/۲۵) و بیشترین میانگین مربوط به متغیر پیش بین صمیمیت ارتباطی (۲۷/۶۳) می □ باشد.

جدول ۲: آزمون های برابری متینگین های کرو ها (طلاق و عدلی)

کلی	جنسی	روانشناختی	معنوی	ارتباطی	اجتماعی - تفریحی	جسمانی	عقلانی	عاطفی	تفاوت های جنسی	کمال گرایی جنسی	عدم تغییر پابری	ذهن جوانی	تخریب کنندگی مخالفت	متغیرهای پیش بین
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	تعداد تابع
۰/۳۸۵	۰/۳۶۵	۰/۴۸۴	۰/۱۶۸	۰/۵۳۱	۰/۲۷۶	۰/۹۵۰	۰/۲۲۴	۰/۱۵۳	۰/۰۳۰	۰/۰۳۷	۰/۱۱۷	۰/۴۳۳	۰/۳۳۷	مقدار ویژه
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد واریانس
۰/۵۲۷	۰/۵۱۷	۰/۵۷۱	۰/۳۸۰	۰/۵۸۹	۰/۴۶۵	۰/۶۹۸	۰/۴۲۷	۰/۳۶۴	۰/۱۷۲	۰/۱۸۸	۰/۳۳۴	۰/۵۴۹	۰/۵۰۲	همبستگی معکوف
۰/۲۲۲	۰/۲۳۳	۰/۶۲۴	۰/۵۵۶	۰/۶۵۳	۰/۷۸۴	۰/۵۱۳	۰/۸۱۷	۰/۸۶۷	۰/۹۷۰	۰/۹۶۵	۰/۸۹۵	۰/۶۹۸	۰/۲۶۸	لامبای وینگر
۸۰/۵۵۵	۷۷/۰۲۷	۹۷/۲۳۵	۳۸۴۹۲	۱۰۵/۳۶۴	۶۰/۲۲۸	۱۶۵/۲۹۹	۴۹/۹۲۶	۳۵/۳۲۹	۷/۴۱۵	۸/۹۳۰	۲۷/۳۲۳	۸۷/۵۵۳	۷۱/۸۷۳	مجاور کاری
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	درجه آزادی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	معنی تری تابع متمیز
۰/۱۸۸	۰/۲۴۳	۰/۲۰۲	۰/۴۰۸	۰/۱۵۷	۰/۳۲۹	۰/۳۲۱	۰/۲۷۳	۰/۲۴۳	۰/۲۶۲	۰/۲۰۵	۰/۲۱۰	۰/۲۵۴	۰/۲۱۶	ضرب ضرایب استاندارد تابع متمیز
-۴/۶۹۱	-۴/۸۲۹	-۳/۹۲۶	-۳/۹۸۸	-۳/۶۱۰	-۴/۳۲۶	-۵/۵۸۹	-۵/۷۵۶	-۵/۳۸۹	-۵/۹۸۵	-۴/۳۱۵	-۴/۲۲۶	-۵/۸۹۳	-۴/۹۵۱	عده ثابت
-۰/۶۱۸	-۰/۶۰۲	-۰/۶۹۳	-۰/۱۳۵	-۰/۲۲۶	-۰/۵۲۳	-۰/۹۷۱	-۰/۴۷۱	-۰/۳۹۰	۰/۱۷۴	۰/۱۹۱	۰/۳۴۱	۰/۶۵۵	۰/۵۷۸	طلاق مرکزواره
۰/۶۱۸	۰/۶۰۲	-۰/۶۹۳	۰/۱۳۵	۰/۲۲۶	۰/۵۲۳	۰/۹۷۱	۰/۴۷۱	۰/۳۹۰	-۰/۱۷۴	-۰/۱۹۱	-۰/۳۴۱	-۰/۶۵۵	-۰/۵۷۸	عده ها دادی
۰/۷۰/۰	۶/۵۸/۰	۱/۸۰/۰	۱/۸۶/۰	۱/۷۸/۰	۱/۷۴/۰	۱/۸۷/۰	۱/۶۶/۰	۱/۶۹/۰	۱/۵۸/۰	۱/۵۶/۰	۱/۶۴/۰	۱/۷۶/۰	۱/۷۴/۰	پیش بینی عضویت گروهی

برای بررسی فرضیه های اول و دوم از روش های آماری آزمون برابری متینگین ها و تابع متمیز استفاده شد و نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. همان گونه

که در جدول ۲ مشاهده می شود، تفاوت بین دو گروه (طلاق و عادی) از لحاظ متغیرهای پیش بین باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در سطح $p < 0/001$ معنی دار است. بنابراین فرضیه های اول و دوم تحقیق تایید می گردد. در نتیجه می توان بیان داشت که افراد گروه طلاق و عادی در همه متغیرهای پیش بین به خوبی از هم متمایز شده اند. همچنین با نگاهی به مندرجات جدول ۲ مشخص می شود که با توجه به لامبدای ویلکز کوچک تر از ۱ و سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵، تمام تابع های ممیز معنی دار هستند و این توابع به طور جداگانه برای هر متغیر از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین متغیر وابسته یعنی گروه (در دو سطح طلاق و عادی) برخوردار هستند.

جدول ۳، خلاصه اطلاعات مربوط به تابع ممیز متعارف به روش تحلیل همزمان (۱۴ متغیر پیش بین) و به روش گام به گام (۱۲ متغیر پیش بین)

اطلاعات مهم مربوط به تابع ممیز	تحلیل ممیز به روش همزمان	تحلیل ممیز به روش گام به گام
تعداد تابع	۱	۱
مقدار ویژه	۴/۲۹۴	۴/۲۱۹
در صد واریانس	۱۰۰	۱۰۰
در صد تراکمی	۱۰۰	۱۰۰
همبستگی متعارف	۰/۹۰۱	۰/۸۹۷
مجذور اتا	۰/۸۱	۰/۸۰
لامبدای ویلکز	۰/۱۸۹	۰/۱۹۲
مجذور کای	۴۰۱/۶۵۱	۴۰۰/۶۷۷
درجه آزادی	۱۴	۱۱
معنی داری تابع ممیز	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
مرکزواره داده ها برای گروه متقاضی طلاق	-۲/۰۶۴	-۲/۰۴۶
مرکزواره داد ها برای گروه عادی	۲/۰۶۴	۲/۰۴۶
پیش بینی عضویت گروهی	٪۹۷/۲	٪۹۸/۰

نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم در جداول ۳ تا ۵ ارائه شده است. همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می گردد، هم در تحلیل ممیز به روش همزمان (که ترکیب ۱۴ متغیر با هم وارد تحلیل شدند) و هم در تحلیل ممیز به روش گام به گام (که پس از ارائه همه متغیرها ۱۱ متغیر باقی مانده و وارد تحلیل شدند)، با توجه به مقدار لامبدای کوچک، مقدار مجذور کای بالا و سطح معنی داری $P < 0/001$ ، تابع ممیز به دست آمده از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین واریانس متغیر وابسته یعنی دو گروه افراد طلاق و عادی برخوردار است. بنابراین، فرضیه سوم تایید می گردد. در این جدول، عدد ۱ حاکی از تنها تابع ممیزی است که با دو سطح از متغیر ملاک به دست آمده است. تعداد تابع ممیز برای یک تحلیل برابر است با تعداد گروه های منهای یک یا تعداد متغیرها هر کدام که کوچکتر باشد. بنابراین، با داشتن دو گروه، صرف نظر از تعداد متغیرها، فقط یک تابع می تواند محاسبه شود.

مقدار ویژه^{۳۸} عبارتست از نسبت مجموع مجذورات بین گروهی به کل مجموع مجذورات درون گروهی. با نگاهی به جدول ۳، مقدار ویژه تنها تابع ممیز ۴/۲۹۴ (به روش همزمان) و ۴/۲۱۹ (به روش گام به گام) است. کوچکتر بودن مقدار ویژه به روش گام به گام با توجه به درجه آزادی ۱۱ (یعنی ۱۱ متغیر پیش بین وارد شده به معادله ممیز) قابل توجیه است. هر چه مقدار ویژه تابع بیش تر باشد، تابع از قدرت تشخیصی بیشتری برخوردار است. درصد واریانس بیان گر درصد واریانس است که توسط تابع ممیز برآورد شده است. بدیهی است که چون یک تابع ممیز وجود دارد، مقدار واریانس ۱۰۰ است.

همبستگی متعارف^{۳۹}، همبستگی بین نمرات ممیز و سطوح متغیر وابسته است. مطابق اطلاعات مندرج در جدول ۳، این مقدار در تابع ممیز به روش تحلیل همزمان ۰/۹۰۱ و به روش تحلیل گام به گام نیز ۰/۸۹۷ است. با محاسبه مجذور همبستگی متعارف برای تنها تابع ممیز، مجذور اتا به دست می آید. مجذور اتا برای تحلیل ممیز به روش همزمان ۸۱ درصد پراش ۱۴ متغیر پیش بین و ۸۰ درصد پراش ۱۱ متغیر پیش بین به روش گام به گام را برای تنها تابع ممیز از اختلاف بین دو گروه افراد متقاضی طلاق و عادی تبیین می کند.

لامبدای ویلکز نسبت مجموع مجذورات درون گروهی به کل مجموع مجذورات است. مطابق جدول ۳، آزمون لامبدای ویلکز وجود تفاوت میان گروه ها را با توجه به ۱۴ متغیر پیش بین در روش همزمان و ۱۱ متغیر پیش بین به روش گام به گام نشان می دهد. این مقدار برای تابع ممیز به روش همزمان ۰/۱۸۹ و برای تابع ممیز به روش گام به گام ۰/۱۹۲ به دست آمده است. هر چه لامبدای ویلکز تابع ممیز کوچکتر باشد، آن تابع قدرت تشخیصی بیشتری دارد.

مجذور کای^{۴۰} آماره ای است که معنی داری دو سطح از تابع را بر اساس تابع ممیز نشان می دهد. مقدار مجذور کای بالا حاکی از قدرت تمیز خوب تابع است. همانطور که در جدول ۳ آمده است، این مقدار برای تنها تابع ممیز به روش همزمان ۴۰/۱۶۵۱ و به روش گام به گام نیز ۴۰/۶۷۷ است. مطابق آن چه که در ردیف معنی داری مجذور کای به دست آمده، در سطح $P < 0.001$ معنی دار است. بنابراین فرضیه سوم تایید می شود. از این رو، می توان گفت که تابع ممیز به دست آمده به طور معنی داری از قدرت تشخیصی قابل توجهی برای دو سطح متغیر ملاک برخوردار است. با توجه به موارد توضیح داده شده، نمایش آماری مجذور کای که برای روش همزمان: $P < 0.001$ و $\chi^2(14) = 401651$ و برای روش گام به گام: $P < 0.001$ و $\chi^2(11) = 40677$ (لامبدای ویلکز) و برای روش گام به گام: $P < 0.001$ و $\chi^2(11) = 40677$ (لامبدای ویلکز) می باشد.

مرکز واره-ی^{۴۱} داده-های هر گروه همان میانگین نمره های تمایز یک گروه است. به عبارت دیگر، مرکز واره-ی داده-های هر گروه با قرار دادن میانگین متغیرهای پیش بین هر

38. Eigen value

39. Canonical Correlation

40. Chi-square

41. Centroid

گروه در تابع ممیز به دست می آید. نمره های تمایز افراد یک گروه یا مثبت است یا منفی. هر چه نمره های افراد دو گروه از نظر مثبت بودن بیشتر از هم جدا باشد، امکان طبقه بندی نادرست در آن گروه ها کمتر است. همان گونه که در جدول ۳ آمده است، مرکز واره داده ها برای تنها تابع ممیز به روش تحلیل همزمان ۲/۰۶۴ برای گروه متقاضی طلاق و ۲/۰۶۴ برای گروه عادی است. این بدان معناست که نقطه برش رضایتمندی و نارضایتمندی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی برای تنها تابع ممیز صفر است و تابع ممیز به دست آمده، تابع تشخیصی مناسبی در متمایز نمودن گروه افراد طلاق و عادی است.

با دقت در ردیف پیش بینی عضویت گروهی جدول ۳ آشکار می شود که تابع ممیز به دست آمده با روش همزمان (۱۴ متغیر پیش بین) به طور کلی ۹۷/۲٪ و با روش گام به گام (۱۱ متغیر پیش بین) ۹۶/۸٪ افراد به درستی طبقه بندی شده اند. به عبارت دیگر در تابع ممیز همزمان از ۱۲۵ نفر افراد متقاضی طلاق ۱۲۳ نفر به درستی در گروه طلاق و ۲ نفر به اشتباه در گروه افراد عادی جای گرفتند و از ۱۲۵ نفر افراد گروه عادی ۱۲۰ نفر به درستی در گروه عادی و ۵ نفر به اشتباه در گروه متقاضی طلاق قرار گرفتند. به طور کلی، با استفاده از تابع ممیز به روش همزمان از ۲۵۰ نفر، ۲۴۳ نفر معادل ۹۷/۲٪ افراد به درستی طبقه بندی شده اند. در تابع به روش گام به گام، ۱۲۵ نفر افراد متقاضی طلاق ۱۲۳ نفر به درستی در گروه طلاق و ۲ نفر به اشتباه در گروه عادی و از ۱۲۵ نفر افراد گروه عادی ۱۲۲ نفر به درستی در گروه عادی و ۳ نفر به اشتباه در گروه متقاضی طلاق قرار گرفتند. به طور کلی با استفاده از تابع ممیز به روش گام به گام از ۲۵۰ نفر، ۲۴۵ نفر معادل ۹۸/۰٪ افراد به درستی طبقه بندی شده اند. همانطور که در بالا توضیح داده شد، با اجرای تحلیل ممیز به روش گام به گام و ارائه ۱۴ متغیر پیش بین، ۱۱ متغیر باقی مانده و وارد تحلیل شدند. اطلاعات مربوط به این ۱۱ متغیر پیش بین در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴، خلاصه اطلاعات مربوط به تحلیل ممیز گام به گام همراه با لامبدای ویلکز ۱۱ متغیر پیش بین

ردیف	وارد شده	لامبدای ویلکز	درجه آزادی			F دقیق			
			درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۳	آماره	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معنی داری
۱	جسمانی	۰/۵۱۳	۱	۱	۲۴۸	۲۳۵/۶۲۲	۱	۲۴۸	۰/۰۰۱
۲	روانشناختی	۰/۳۹۳	۲	۱	۲۴۸	۱۹۰/۸۱۹	۲	۲۴۷	۰/۰۰۱
۳	ذهن خوانی	۰/۳۲۴	۳	۱	۲۴۸	۱۷۱/۳۶۸	۳	۲۴۶	۰/۰۰۱
۴	تخریب کنندگی مخالفت	۰/۲۷۸	۴	۱	۲۴۸	۱۵۹/۰۹۶	۴	۲۴۵	۰/۰۰۱
۵	جنسی	۰/۲۴۲	۵	۱	۲۴۸	۱۵۲/۸۳	۵	۲۴۴	۰/۰۰۱
۶	تفریحی	۰/۲۲۳	۶	۱	۲۴۸	۱۴۰/۹۲۷	۶	۲۴۳	۰/۰۰۱
۷	هیجانی	۰/۲۱۲	۷	۱	۲۴۸	۱۲۸/۲۹۱	۷	۲۴۲	۰/۰۰۱
۸	کلی	۰/۲۰۵	۸	۱	۲۴۸	۱۱۶/۶۶۸	۸	۲۴۱	۰/۰۰۱
۹	ارتباطی	۰/۱۹۹	۹	۱	۲۴۸	۱۰۷/۰۷۵	۹	۲۴۰	۰/۰۰۱
۱۰	معنوی	۰/۱۹۵	۱۰	۱	۲۴۸	۹۸/۸۴۷	۱۰	۲۳۹	۰/۰۰۱
۱۱	عدم تغییرپذیری	۰/۱۹۲	۱۱	۱	۲۴۸	۹۱/۲۸۱	۱۱	۲۳۸	۰/۰۰۱

مطابق با اطلاعات مندرج در جدول ۴، پس از ارائه ۱۴ متغیر پیش بین، ۱۱ متغیر باقی مانده و وارد تحلیل شدند. در گام اول، متغیر جسمانی و به ترتیب در گام □ های بعدی متغیرهای روانشناختی، ذهن خوانی، تخریب کنندگی مخالفت، جنسی، تفریحی، هیجانی، کلی، ارتباطی، معنوی، عدم تغییر پذیری همسر وارد تحلیل شدند که F برای هر یک از ۱۱ متغیر در سطح $P < 0.001$ معنی دار است. همانطور که ملاحظه می-کنید با ورود هر متغیر پیش بین در هر گام، مقدار لامبدای ویلکز کاهش یافته است. این بدان معناست که ورود هر متغیر پیش بین در هر گام، دقت پیش بینی را افزایش داده است. ضرایب استاندارد^{۴۲}، ضرایب غیر استاندارد^{۴۳}، ضرایب ساختاری^{۴۴} و ضرایب طبقه بندی^{۴۵} متغیرهای پیش بین تابع ممیز در جدول ۵ ارائه شده اند.

همان طور که اطلاعات مندرج جدول ۵ نشان می □ دهد، برای تنها تابع ممیز، با دو

جدول ۵. ضرایب استاندارد، غیر استاندارد، ساختاری و طبقه بندی تابع ممیز به روش همزمان و گام به گام

پیش بین ها	تابع									
	به روش همزمان					به روش گام به گام				
	ضرایب استاندارد تابع ممیز	ضرایب غیر استاندارد و تابع ممیز	ضرایب ساختاری	ضرایب طبقه بندی	ضرایب	ضرایب استاندارد و تابع ممیز	ضرایب غیر استاندارد و تابع ممیز	ضرایب ساختاری	ضرایب طبقه بندی	ضرایب
تخریب کنندگی مخالفت	-۰/۳۴۸	-۰/۰۷۵	-۰/۲۸۰	۱/۱۴۰	۰/۸۲۹	-۰/۳۳۸	-۰/۰۸۳	-۰/۱۸۳	۱/۰۴۷	۰/۸۴۹
ذهن خوانی	-۰/۳۹۵	-۰/۱۰۱	-۰/۳۱۷	۱/۵۵۶	۱/۱۷۱	-۰/۳۹۲	-۰/۱۰۰	-۰/۳۲۰	۱/۶۲۱	۱/۲۱۲
عدم تغییر پذیری	-۰/۱۴۶	-۰/۰۳۱	-۰/۱۶۵	۰/۸۵۱	۰/۶۲۴	-۰/۱۴۳	-۰/۰۳۰	-۰/۱۶۶	۰/۹۶۰	۰/۸۳۶
کمال گرایی جنسی	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۲	-۰/۰۹۲	۰/۸۷۶	۰/۸۷۰	-	-	-	-	-
تفاوت جنسی	-۰/۰۷۵	-۰/۰۲۰	-۰/۰۸۴	۲/۰۸۳	۲/۰۰۲	-	-	-	-	-
هیجانی	۰/۲۲۱	۰/۰۵۳	۰/۱۸۹	۱/۱۴۱	۱/۳۶۱	۰/۳۳۳	۰/۰۵۶	۰/۱۹۰	۱/۰۹۷	۱/۳۳۸
عقلانی	۰/۱۱۳	۰/۰۳۱	۰/۲۲۸	۰/۶۶۶	۰/۵۹۳	-	-	-	-	-
جسمانی	۰/۵۵۲	۰/۱۷۷	۰/۴۷۰*	۱/۸۷۳	۲/۰۶۵	۰/۵۷۵	۰/۱۸۵	۰/۴۷۵*	۱/۶۰۱	۲/۳۵۶
تفریحی	۰/۲۱۳	۰/۰۵۱	۰/۶۵۳	۱/۰۲۱	۱/۳۳۲	۰/۴۴۴	۰/۰۵۸	۰/۳۵۶	۰/۸۶۴	۱/۱۰۳
ارتباطی	۰/۱۸۸	۰/۰۳۰	۰/۳۵۲	۰/۴۵۵	۰/۵۷۷	۰/۱۹۳	۰/۰۳۰	۰/۳۵۵	۰/۶۶۰	۰/۵۸۳
معنوی	۰/۱۶۷	۰/۰۳۵	۰/۱۹۸	۰/۸۹۴	۱/۰۲۹	۰/۱۸۰	۰/۰۲۸	۰/۲۰۰	۰/۹۱۱	۱/۰۶۷
روانشناختی	۰/۳۰۱	۰/۰۶۱	۰/۳۳۶	۰/۰۶۰	۰/۳۱۱	۰/۲۹۱	۰/۰۵۹	۰/۳۳۹	۰/۸۹۳	۰/۴۳۴
جنسی	۰/۳۸۱	۰/۰۹۳	۰/۱۹۲	۰/۸۶۵	۱/۱۴۸	۰/۳۶۵	۰/۰۷۸	۰/۳۷۲	۰/۸۲۳	۱/۲۱۶
کلی	۰/۱۸۸	۰/۰۳۵	۰/۲۸۴	۰/۶۲۱	۰/۸۶۷	۰/۳۱۶	۰/۰۹۶	۰/۲۹۴	۰/۸۰۳	۰/۶۵۳
عدد ثابت	-	-۵/۸۶۷	-	-۰/۱۴۲/۴۷۵	-۱۶۶/۶۹۵	-	-۶/۲۴۱	-	-۱۰۶/۰۱۱	-۱۲۹/۵۴۶

42. Standard C
43. Unstandard
44. Structure C
45. Classificati

روش تحلیل، چهار دسته ضرایب استاندارد، غیر استاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه بندی تابع ممیز ارائه شده اند. ضرایب استاندارد بر اساس نمره های Z قرار دارد و همانند ضرایب رگرسیون تفکیکی (بتا) در تحلیل رگرسیون عمل می کند. وقتی وزن های ممیز در نمره های استاندارد فردی مربوط به هر متغیر ضرب شوند و با هم جمع گردند، نمره ممیز به دست می آید. این ضرایب کمک می کند تا سهم متغیرها در تفاوت های گروهی مشخص گردد. هر چه مقدار آن بیشتر باشد، آن متغیر سهم بیشتری در تمایز بین گروه ها دارد. همان طور که در ستون ضرایب استاندارد جدول ۵ آمده است، با روش تحلیل همزمان و گام به گام متغیر صمیمیت جسمانی بیشترین را در تمایز دو گروه دارد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که صمیمیت جسمانی بهترین شاخص برای جدا کردن گروه ها است. با استفاده از ضرایب غیر استاندارد که در جدول ۵ آمده است، معادله تابع ممیز را می توان به دست آورد. بنابراین، با قرار دادن نمره هر فرد در متغیرهای مربوط در تابع، نمره فرد به دست می آید.

با توجه به مرکز واره های داده های گروه متقاضی طلاق و عادی که در جدول ۳ آمده، چنانچه نمره ممیز به دست آمده مثبت باشد، پیش بینی می شود که آن فرد به گروه عادی و اگر منفی باشد، پیش بینی می شود که آن فرد به گروه طلاق متعلق باشد. با توجه به ستون ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع ممیز به روش همزمان معادله پیش بین زیر به دست می آید:

$$D = 5/861 + 0/30 + 0/51 + 0/177 + 0/31 + 0/53 + 0/20 + 0/31 - 0/02 - 0/075 - 0/101$$

$$+ 0/35 + 0/61 + 0/93 + 0/35$$

با توجه به ستون ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع ممیز به روش گام به گام معادله پیش بین زیر به دست می آید:

$$D = 6/241 + 0/78 + 0/59 + 0/38 + 0/30 + 0/58 + 0/185 + 0/56 + 0/30 - 0/110$$

$$+ 0/73 + 0/96$$

ضرایب ساختاری تابع ممیز، همبستگی هر متغیر با تابع (نمره پیش بینی شده گروهی یا نمره ممیز) است. این همبستگی ها به عنوان همبستگی های متغیر متعارف با بارهای ممیز نامیده می شوند. این بارها از نظر مفهومی مشابه بارهای عاملی در تحلیل عوامل هستند، بنابراین در تفسیر تفاوت های گروهی به کار می روند. ضرایب ساختاری در مشخص شدن سهم متغیرها در تفاوت های گروهی به کار می روند. در جدول ۵ که در آن ضرایب ساختاری به روش همزمان تحلیل شده اند، به ترتیب متغیرهای صمیمیت جسمانی، ارتباطی، روانشناختی، ذهن خوانی، جنسی، کلی، تخریب کنندگی مخالفت، اجتماعی-تفریحی، عقلانی، معنوی، هیجانی، عدم تغییرپذیری، کمال گرایی جنسی و تفاوت های جنسیتی بالاترین همبستگی را با تنها تابع ممیز با ۱۴ متغیر پیش بین و به روش گام به گام به ترتیب، متغیرهای پیش بین صمیمیت جسمانی، ارتباطی، روانشناختی، ذهن خوانی، جنسی، کلی، تخریب کنندگی مخالفت، اجتماعی-تفریحی، معنوی، هیجانی، تغییرپذیری بالاترین همبستگی را با تنها تابع ممیز با ۱۱ متغیر پیش بین نشان

می دهد. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۵ (مربوط به فرضیه سوم)، تنها تابع ممیز بیشترین همبستگی را با متغیر صمیمیت جسمانی دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آماری، بیان گر تایید فرضیه های تحقیق است. نتیجه به دست آمده گویای این نکته است که هر قدر باورهای ارتباطی ناکارآمد مختص رابطه زناشویی بیشتر و صمیمیت در رابطه زناشویی کمتر باشد، پیش بینی رضایتمندی در رابطه زناشویی کمتر خواهد بود و برعکس هر چه باورهای ارتباطی ناکارآمد کمتر و صمیمیت زناشویی بیشتر باشد، پیش بینی رضایتمندی در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود. فرضیه اول: رضایتمندی زناشویی در زنان عادی و متقاضی طلاق بر اساس متغیر باورهای ارتباطی قابل پیش بینی است.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج یافته های محققین مختلف همسو و هماهنگ است. یکی از عواملی که می تواند اثربخشی یک ارتباط را تضعیف کرده و موجب عدم درک درست پیام فرستاده شده یا به عبارتی رمزگشایی صحیح آن شود عبارت است از: باورهای غلط، پیش داوری ها و نگرش های منفی (فینچام و بردبوری، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۳؛ مولر و مرو، ۱۹۹۷؛ مولر و ونزیل، ۱۹۹۱؛ آدیس و برنارد، ۲۰۰۰؛ داتلیو و ایشتاین^{۴۶}، ۲۰۰۵؛ نیکل، ۲۰۰۶). به عقیده الیس^{۴۷} (۱۹۸۶ و ۲۰۰۳) باورهای ناکارآمد، علت اصلی بسیاری از اختلاف های اجتماعی است و یکی از عمده ترین عرصه های بروز و نفوذ افکار غیرمنطقی و ناکارآمد، زندگی زناشویی است. نتایج پژوهش سالیوان و سوییل (۱۹۹۵)، پاسکال، کرستین و جین^{۴۸} (۲۰۰۸) نشان داده است که بین باورهای غیر منطقی، ارتباطی و عدم رضایت از زندگی زناشویی همبستگی منفی وجود دارد.

در تایید فرضیه اول پژوهش حاضر می توان چنین تبیین کرد که افراد از زمان کودکی درباره خود، دیگران و دنیای شان باورهای خاصی ایجاد می کنند. مهم ترین این باورها، یا باورهای اصلی، ادراک ها یا دریافت هایی آنچنان بنیادین و عمیق می باشند که حتی برای خود افراد نیز واضح و روشن نیستند. همان گونه که وجود اشیاء برای افراد حقیقت دارد، این عقاید را نیز به عنوان حقیقت مطلق در نظر می گیرند و آن ها را وارد خانواده اصلی خود می کنند. در واقع به همان شکلی که افراد باورهای محوری در مورد خود، جهان و آینده دارند، باورهایی نیز در مورد خانواده هایشان دارند. باورهای منشا گرفته از خانواده پدری چه خودآگاه و چه ناخودآگاه، از جانب هر دو زوج به هم می پیوندند و باعث بروز و شکل گیری طرحواره های خانواده فعلی می شوند. گاه همین باورهایی را که از خانواده هسته ای در خود جذب کرده ایم و آن ها را به عنوان واقعیت پذیرفته ایم، غیرمنطقی هستند اما

⁴⁶. Dattilio & Epstein

⁴⁷. Ellis

⁴⁸. Pascal, Christine & Jean

بر اثر استفاده زیاد آن □ها در جنبه □های مختلف زندگی برای ما به صورت عادت درآمد است و مکرراً از آن □ها در نظام تفسیری خود استفاده می □کنیم (افقه، ۱۳۸۷). همانطور که یافته □های پژوهش نشان داد زوج □های متقاضی طلاق (نارضایتی زناشویی) در مقایسه با زوج □های مایل به ادامه زندگی مشترک (رضایتمندی زناشویی) باورهای ارتباطی ناکارآمد بیشتری داشتند. در تبیین این تفاوت می □توان به ماهیت باورهای ارتباطی ناکارآمد و نقش آن در افزایش نارضایتی زناشویی و به دنبال آن طلاق اشاره کرد. ریشه باور به تخریب کنندگی مخالفت به باور غیر منطقی ایس که اگر چیزی را که می □خواهم به دست نیآورم، وحشتناک است و نمی □خواهم آن را تحمل کنم، بر می □گردد. در توصیف این باور ایس (۱۹۸۶) می □گوید زوجین به طور غیر منطقی خود را متقاعد کرده اند که نمی □توانند مشکلاتی را که در رابطه تجربه یا پیش بینی می □کنند تحمل کنند. ریشه این ترس از این اعتقاد ناشی می □شود که احساسات نامطلوب واقعاً غیر قابل تحمل است و اینکه نباید چنین احساساتی وجود داشته باشد و زوجین با این دید که رابطه باید آرام و بدون مشکل باشد، دچار مشکل می □شوند. این افراد چون می □گویند قدرت کافی برای تحمل و یا حل صحیح مشکل ندارند، سعی می □کنند از بروز مشکل و اختلاف در روابط زناشویی جلوگیری کنند. به عقیده آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) وقتی زن و شوهری با این باور با یکدیگر در تعامل قرار گیرند، تصمیمات حول و حوش مسئله گرفته می □شود یا به شانس سپرده می □شود. زوجین در چنین شرایطی در موقعیت بی تصمیمی □ و بلا تکلیفی به سر می □برند و امیدوارند که این موقعیت هر چه سریع تر بگذرد. گر چه در کوتاه مدت این فرآیند ممکن است به نظر موثر افتد اما در درازمدت و بسته به این که چه کسی بیشتر با مسئله سر و کار دارد، می □تواند با عدم رضایت همراه باشد و فرد در گیر با این باور را به سمت تصمیم گیری برای طلاق سوق دهد. همسو با نتایج تحقیق حاضر، در پژوهش مولر و وانزیل (۱۹۹۱) رابطه بین باور تخریب کنندگی مخالفت و سازگاری زناشویی مورد تایید قرار گرفته است.

باور تغییرناپذیری همسر به این موضوع اشاره دارد که فرد معتقد است علت وجود مشکلات رفتاری در افراد امری ذاتی است. لذا هر گونه تلاش برای تغییر دیدگاه □ها و رفتارهای طرف مقابل بی فایده است. به همین دلیل فرد هیچ گونه تلاشی برای تغییر وضع موجود از خود نشان نمی □دهد. این امر می □تواند باعث از دست دادن تفکر حل مسئله شده، مشکلات روز به روز عمیق تر و پیچیده تر شود. آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) طرح کردند که عده فروانی از مردم معتقدند که همسران آن □ها تغییر نمی □کنند و یا تغییر تخریب کننده است و با چنین طرز فکری باعث می □شوند که روابط آن □ها مخدوش شود. منشاء باور توقع ذهن خوانی را نیز می □توان در باور حکم کنندگی ایس یافت. ایس (۱۹۸۶) این طور عنوان می □کند که هرگاه شما به گونه آمرانه از شریک زندگی تان رفتار خاصی را متوقع باشید (مثلاً همسرم باید نسبت به خواسته □های من حساس باشد) با ناکام شدن این الزامات شما احساس خشم و شکست خواهید کرد یا نسبت به خود

احساس ترحم خواهید داشت. به نظر برخی از محققین شکل گیری این باور به این دلیل است که زن و شوهر به علت وابستگی عمیق شان به یکدیگر و باورهایی که نسبت به نقش های زن و شوهری دارند معتقدند که همسرشان باید قادر باشد نیازهای او را درک کند و در واقع باید بتواند ذهن خوانی کند. به این ترتیب هر روز بر فهرست بلند بالای احساسات، نیازها و نگرانی های فرد که مدت ها راجع به آن حرفی نزده و فکر می کند همسرش باید آن ها را بداند، اضافه می شود و در صورت برآورده نشدن آن ها فرد همسر خود را به بی تفاوتی محکوم کرده، در نتیجه رابطه زناشویی رفته رفته رو به سردی و نارضایتی می گذارد. گاتمن و کروکوف (۱۹۹۳) نیز اعتقاد دارند زوج های آشفته هنگام گفت و گو، با توجه با تاکید بر ذهن خوانی و پیشگویی موافقت و مخالفت همسر، همواره از هم شکایت می کنند بی آن که بدانند واقعا در ذهن و فکر یکدیگر چه می گذرد. در پژوهش ادیب راد و ادیب راد (۱۳۸۴) باور به تخریب کنندگی مخالفت و ذهن خوانی به تنهایی ۰/۶۰ نمره دلزدگی زناشویی را پیش بینی کرده است.

با توجه به نتایج جدول ۴ و با استفاده از روش تحلیل گام به گام، متغیرهای پیش بین باورهای کمال گرایی جنسی و تفاوت های جنسیتی از تحلیل حذف شدند. این امر احتمالا نشان دهنده این است که که گزینه های مورد اشاره از اهمیت کمتری در تخریب روابط زوجین برخوردار هستند. البته این احتمال هم وجود دارد که در فرهنگ ما مسائل جنسی جزء مسائلی به حساب می آید که معمولا افراد به راحتی در مورد آن صحبت نمی کنند. لذا احتمال دارد پاسخگویی به سوالات مربوط به این خرده مقیاس ها کم و بیش تحت تاثیر این عامل فرهنگی قرار گرفته باشد؛ اما با توجه به نتایج جدول ۲ هر دو باور تفاوت های جنسیتی و کمال گرایی جنسی از قدرت پیش بینی کنندگی برخوردارند و می توان بین دو گروه بر اساس این دو متغیر پیش بین تمایز قائل شد. تفاوت های جنسیتی نیز باوری قالبی است که بدون اساس علمی بوده و مردم پیشاپیش ویژگی های خاصی را به دو جنس نسبت می دهند. این باور با باور درماندگی ایس گره می خورد؛ به این ترتیب که با اعتقاد به این مسئله که زنان و مردان ذاتا از نظر نیازهای شخصی و ارتباطی با یکدیگر متفاوت هستند و علت مشکلات اصلی زوج ها همین تفاوت های آن هاست و این که این ویژگی ها مانع درک زوجین از یکدیگر می گردد، در نتیجه نمی توان کاری برای بهبود روابط انجام داد، منجر به رشد نوعی ادارک قالبی می گردد. این باور، طرفین را از دیدن خصوصیات منحصر به فرد همسرشان به ویژه تغییراتی که باعث افزایش کیفیت رضایت از ازدواج می شود باز می دارد. در باور ارتباطی کمال گرایی جنسی نیز، باور حکم کنندگی و نیازمندی به کمال گرایی جنسی وجود دارد. هر کدام از زوجین با این باور بر خود حکم می کنند که باید از نظر جنسی کامل و بدون نقص باشند تا مورد پذیرش همسر خود قرار گیرند. تحریف شناختی که در این باور وجود دارد تفکر دو مقوله ای است که اگر همسری در

رابطه جنسی زناشویی شان عالی نباشد ناکام و شکست خورده است در نتیجه این باور زوجین نارضایتی از زندگی زناشویی را به نقص در برقراری رابطه جنسی مطلوب نسبت می دهند.

به عقیده بک (۱۹۷۶) زمانی که باورهای غیرمنطقی ما کاهش یابد و باورهای منطقی جایگزین آن شوند، رضایت و سازگاری زناشویی نیز افزایش خواهد یافت. تا زمانی که زوجین آگاهی ندارند که این افکار غیرمنطقی است و به نوعی به این باورها عادت کرده اند نقش خود را در ایجاد مسائل و مشکلات زناشویی کم رنگ و نادیده می انگارند. فرضیه دوم: رضایتمندی زناشویی در زنان عادی و متقاضی طلاق بر اساس متغیر صمیمت زناشویی قابل پیش بینی است.

به عقیده پیلچ، لوتین، آریندل (۲۰۰۵) یکی از نیازهای عاطفی زوج ها، روابط توأم با صمیمت است که منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی در زندگی می باشد. مطالعات کرافورد و آنگر (۲۰۰۴) و همچنین بلوم (۲۰۰۶) نشان می دهد که برخوردار بودن از صمیمت در میان زوج های متأهل، از عوامل مهم ایجاد ازدواج های پایدار است و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه، از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی می شود که با نتایج پژوهش حاضر همسو و هماهنگ می باشد. داس، سیمپسون و کریستینسون (۲۰۰۴) نیز در پژوهش خود بر روی ۱۴۷ زوج دریافتند که یکی از دلایل اصلی مراجعه زوجین به کلینیک ها جهت دریافت خدمات روان درمانی، صمیمت پایین یا فقدان روابط صمیمانه است.

در تایید فرضیه دوم پژوهش می توان این گونه تبیین کرد که صمیمیت تعاملاتی را در بر می گیرد که به خودافشایی باز و مرادده های شخصی تنگاتنگ مربوط می شود. صمیمت مشارکت در احساسات، امیدها، ترس ها و آسیب پذیری ها را شامل می شود و به همین دلیل زوجینی که صمیمیت بیشتری را در رابطه با همسرشان تجربه می کنند از رضایتمندی بالاتری در زندگی برخوردارند و بالعکس. در راستای این تبیین، اولسون و اولسون^{۴۹} (۲۰۰۰) در یک تحقیق ملی بر روی زوجین رضایتمند از زندگی و زوجین ناراضی، دریافتند که ۰/۹۶ از زوجینی که رضایتمندی از زندگی را تجربه می کنند در سهیم شدن عواطف و هیجانات با همسرشان احساس راحتی می کنند. این درحالیست که ۰/۷۲ از زوجین ناراضی گزارش کردند که همسران آن ها از احساسات و هیجانات آن ها آگاه نیستند.

از سوی دیگر روابط صمیمانه از نقشی منحصر به فرد در شکل دهی عزت نفس و پاسخ های افراد به دنیای اطرافشان برخوردار می باشد. زندگی با هم از طریق شفقت و ورزیدن، ارتباط و عشق، جوی از حسن نیت و اعتماد را به وجود می آورد. این مولفه ها با کمک هم یک نیروی قدرتمند عشقی را پدید می آورند که برای افراد قرار گرفته در رابطه، متحول کننده، تثبیت گر و انرژی زا می باشد. همچنین به عقیده

⁴⁹. Olson Olson

هلر و وود^{۵۰} (۱۹۹۸) صمیمیت در ازدواج با با تقویت تعهد زوجین نسبت به یکدیگر ثبات ارتباط را محکم می‌کند و از این طریق به افزایش سطح رضایتمندی از زندگی مشترک کمک می‌کند.

در بعد صمیمیت عاطفی، فرد توانایی در میان گذاردن تمام احساسات مثبت و منفی خود را با همسرش دارد. در این نوع صمیمیت فرد با تخلیه هیجانی مثبت، سلامت روانی بیشتر و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه خواهد کرد. کردوا، جی، وارن (۲۰۰۵) نیز در تحقیق خود نشان دادند که بین صمیمیت عاطفی و توانایی در میان گذاردن عواطف و احساسات با همسر و سازگاری زناشویی رابطه مثبت وجود دارد.

در صمیمیت عقلانی زمانی که زن و شوهر باورها و عقاید خود را به یکدیگر منتقل می‌کنند، تفاوت در باورهای طرف مقابل را پذیرفته و در نتیجه مشکلات زندگی را با همفکری یکدیگر و با کیفیت مطلوب تر حل و فصل خواهند کرد. در صمیمیت ارتباطی زوجین از طریق مذاکره و گفت و گو با یکدیگر، گفت و گو در مورد مسائل مختلف و گوش دادن عمیق به یکدیگر، به افزایش سطح ارتباط، شکل گیری احساسات مثبت در یکدیگر و به دنبال آن رضایت مندی از رابطه کمک می‌کنند. در بعد صمیمیت فیزیکی، زوجین با داشتن تجربه‌هایی نظیر نوازش کردن یکدیگر، در آغوش گرفتن، لمس غیرجنسی و...، به راحتی تماس و نزدیکی فیزیکی را که به افزایش خشنودی از رابطه کمک می‌کند، تجربه می‌کنند. در پژوهش حاضر و با توجه به یافته‌های جدول ۵، همانطور که در ستون ضرایب ساختاری مشاهده می‌شود، صمیمیت در بعد جسمانی بهترین شاخص در جدا کردن دو گروه (طلاق و عادی) می‌باشد. در بعد صمیمیت روانشناختی نیز زوجین با اعتماد کردن به یکدیگر و ارضای نیازهای روحی یکدیگر، موفق به توجه و درک هوشمندانه خواسته‌ها و نیازهای طرف مقابل می‌گردند. در صمیمیت اجتماعی-تفریحی افراد فرصت می‌یابند تا در فعالیت‌ها و تجارب لذت بخش با همسر خود شریک شده و درباره سرگرمی‌های مشترک و جداگانه نوعی توافق و تفاهم را تجربه کنند. در بعد صمیمیت جنسی نیز زن و شوهر برای بهبود روابط جنسی و برآوردن نیازهای جنسی طرف مقابل تلاش کرده با یکدیگر همکاری می‌کنند. در بعد صمیمیت معنوی زوجین به راحتی افکار، باورها و تجارب معنوی خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند و یا در فعالیت و ارزش‌های مذهبی مشترک به یکدیگر ملحق می‌شوند.

لازم به ذکر است که مفهوم صمیمیت در ابعاد ذکر شده به معنی یکی شدن و از دست دادن هویت، خواسته‌ها و نیازهای خود به منظور برقراری رابطه صمیمانه با همسر نیست. این نوع برداشت از رابطه صمیمانه نه تنها به افزایش سطح رضایتمندی از رابطه با همسر کمک نمی‌کند بلکه به نارضایتی از رابطه بین فردی دامن می‌زند. حقیقت این است که در طی تعاملات صمیمانه، افراد به عنوان انسان‌هایی منحصر به فرد با یکدیگر

⁵⁰. Heller & Wood

رابطه برقرار می-کنند تا تجربه □های عاطفی گوناگون خود را به طور متقابل به اشتراک گذارند و آن گاه بر احساسی که از هویت خود دارند، تاکید ورزند. از طریق چنین فرآیندی است که سطح رضایتمندی از زندگی زناشویی افزایش می □یابد.

فرضیه سوم: رضایتمندی زناشویی در زنان عادی و متقاضی طلاق بر اساس ترکیب خطی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی قابل پیش بینی است.

زوجین مجموعه ای از انتظارات، باورها و تصورات خیالی مربوط به صمیمیت را که عمدتاً غیر واقع بینانه است و منجر به کاهش صمیمیت و رضایت می □شود، در رابطه زناشویی وارد می □کنند. به عقیده بسیاری از پژوهشگران (اپشتاین و بائوکام^{۵۱}، ۲۰۰۲) روابط صمیمی □و سالم می □تواند از طریق ارضای نیازهای مهم فرد دیگر فراهم آیند و موجب آسایش زن و شوهر شوند اما باور به این که رابطه زناشویی باید کامل ترین نوع رابطه بوده و همسر باید ارضا کننده همه نیازها در هر شرایطی باشد نوعی باور ناکارآمد و غیرمنطقی به حساب می □آید. به اعتقاد لوینگر و □هاستون^{۵۲} (۱۹۹۰) یکی از مبانی اصلی این نوع افکار و باورها در مورد ازدواج و رابطه صمیمانه زناشویی در اکثر فرهنگ □ها این است که افراد روابط زناشویی را منبع انحصاری حمایت و عاطفه می □دانند و انتظار بالایی از این رابطه دارند. ویلکمر^{۵۳} (۱۹۹۸) در تحقیق خود نشان داد که اکثر زوج □ها در ابتدای زندگی برای همسر خود یک سری ملاک □ها و انتظاراتی را در نظر دارند که اجرا نکردن این انتظارات و یا رعایت نکردن این ملاک □ها باعث پایین آمدن صمیمیت شده و رفته رفته روابط بین زوج □ها را آشفته می □سازد. در نظریه □های شناختی، الگوهای اسنادی مورد توجه خاص قرار گرفته است. براساس این الگو، استنتاج □های افراد از مشاهده رفتارهای همسرشان به طور جدی بر میزان صمیمت آنان تأثیر دارد (گلدنبرگ و گلدنبرگ^{۵۴}، ۲۰۰۰).

به علاوه تحقیقات مختلف نشان داده است که میزان صمیمیت به توانایی همسران برای انتقال روشن، صحیح و مؤثر افکار، احساسات، نیازها و خواسته □هایشان بستگی دارد. همچنین یافته □های مولر و راینسورت (۱۹۸۷) نشان داد که پنج نوع فرآیند شناخت، شامل توجه انتخابی، اسنادها، انتظارات، فرضیات و معیارها (یعنی باورهایی که هر فرد درباره ازدواج و روابط صمیمانه در ذهن دارد) با رضایتمندی و میزان صمیمیت مرتبط است (به نقل از باکوم، اپشتاین، سیرز و شرز^{۵۵}، ۱۹۸۹). در مجموع با توجه به یافته □ها می □توان گفت که باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی نقش بسیار مهمی □در رضایت و عدم رضایت از رابطه زناشویی دارند و این بدان معنی است که تغییر این باورها می □تواند زمینه ساز تداوم زندگی مشترک زوج □ها باشد.

51. Epstein & Boucom

52. Levinger & Huston

53. Wilkner

54. Goldenberg & Goldenberg

55. Boucom, Epstein, Sayers & Sher

منابع

- ادیب راد، نسترن، و ادیب راد، مجتبی. (1384). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان زندگی مشترک. مجله تازه □ها و پژوهش □های مشاوره، 13، 90 □ 110 اسلامی، معصومه. (1385). بررسی رابطه بین باورهای غیر منطقی و کارکرد خانواده در مراجعه کنندگان به دادگاه خانواده شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا .
- افقه، سوسن. (1387). آرون تمکین بک، پیشگام شناخت درمانی. تهران: دانژه. اولیاء، نرگس. (1385). بررسی آموزش غنی سازی زندگی زناشویی بر افزایش رضایتمندی زوجین شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان. جمعه اسدآباد، مریم. (1380). مقایسه تفکرات غیرمنطقی در بین زنان مطلقه و غیرمطلقه. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه فردوسی مشهد.
- حیدری، محمود، و مظاهری، محمد علی، و پور اعتماد، حمید رضا. (1384). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. فصلنامه خانواده پژوهی، 2، 121 - 130
- دهشیری، غلامرضا. (1384). مقایسه باورهای ارتباطی زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک شهر تهران. خانواده پژوهی، 1، 2، 13-24
- ستیر، ویرجینیا. آدم سازی در روان شناسی خانواده. ترجمه بیرشک، بهروز. (1383). تهران: رشد .
- سلیمانیان راد، علی اکبر. (1372). بررسی تفکرات غیر منطقی بر رضایتمندی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم.
- مظاهری، محمد علی، پور اعتماد، حمیدرضا. (1380). مقیاس باورهای ارتباطی. چاپ نشده، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- مظلومی، سوسن. (1386). تاثیر برنامه غنی سازی ازدواج بر افزایش صمیمیت زوج □های بدون مشکل. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- هارجی، اوئن. (1994). مهارت □های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه فیروزبخت، مهرداد و بیگی، خشایار. (1385). تهران: رشد .
- Addis, J., & Bernard, M. (2000). Marital adjustment and irrational belief. *Journal of Rational-Emotive and cognitive-behavior therapy*, 20, 3-13.
- Bagarozzi, D. A. (2001). *Enhancing intimacy in marriage: A clinicians handbook*. Brunner-Routledge.
- Beck, A. T. (1976). *Cognitive therapy and the emotional disorder*. New york: International university press.

- Blum, T. W., (2006). *Becoming a family counselor: A bridge to family therapy theory and practice*. Hoboken, NJ, USA: Wiley
- Boucom, D. h., Epstein, N. Sayers, S., & Sher, T. G. (1989). The role Of cognitions in marital relationships: Definitional, methodlogical, and conceptual issues. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 31-38.
- Cordova, J. V., Gee, C. B. & Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychoogy*, 24, 218-235.
- Crawford, M., & Unger, R. (2004). *Women and Gender: A Feminist Psychology*. 4th edition. New York, NY, USA: McGraw-Hill.
- Dattilio, F. M., Epstein, N. (2005). The restructuring of family schemas: A cognitive behavioral perspective. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31, 15-30.
- Debord, J., Romans, J. S. C., & Krieshok, T. (1996). Predicting dyadic adjustment from general and relationship-specific beliefs. *Journal of Psychology*, 130, 263-280.
- Doss, B. D., Simpson, L. E., & Christensen, A. (2005). Why do couples seek marital therapy? *Professional Psychology: Research and Practice*, 35, 608-614.
- Eidelson, R. J. & Epstein, N. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional belief. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50, 715 – 720.
- Ellis, A. (1986). Rational-emotive therapy applied to relationship therapy. *Journal of Rational-Emotive Therapy*, 4, 4-21.
- Ellis, A. (2003). The nature of disturbed marital interaction. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive Behavior Therapy*, 21, 147-153
- Epstein, N., & Baucom, D. H. (2002). *Enhanced cognitive-behavioral therapy for couples: A contextual approach*. Washington DC: American Psychological Association.
- Fincham, F. D. & Bradbury, T. N. (1987). Cognitive processes and conflict in close relationships: An attribution-efficacy model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 245-274.
- Fincham, F.D., & Bradbury, T.N. (1993). The impact of attributions in marriage: Empirical and conceptual foundations. *British journal of clinical*
- Goldenberg, I., & Goldenberg, H. (2000) *Family Therapy: An overview*. Belmont, CA: Wadsworth/Thomson Learning Publishin Company.
- Gorchoff, S, M. John, O. P. & Helson, R. (2008). Contextualizing change in marital satisfaction during middle-age: An 18-year longitudinal study. *Psychological Science*, 19, 1194-1200.
- Gottman, J. M., & Krokoff, L. J. (1993). Marital interaction and satisfaction: A longitudinal view. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 47-52.
- Gottman, J.M., & Notarius, C.I. (2000). Decade review: Observing marital Interaction. *Journal of Marriage and Family*, 62, 927-947.
- Heller, P.E., Wood, B. (1998). The process of intimacy, *journal of Marital and Family Therapy*, 24, 273-281.
- Levinger, G., & Huston, T. L. (1990). The social Psychology of marriage. In F. D. Fincham & Tn N Bradbury(Eds). *The psychology of marriage* , 19-58. New York: Guilford Press
- Lin, Y. C., & Raghbir, P. (2005), Gender differences in unrealistic optimism about marriage and divorce: Are men more optimistic and women more realistic? *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 198-207.
- Metts, S., & Cupach, W.R. (1990). The influence of relationship beliefs and problem solving responses on satisfaction in romantic relationships. *Human Communication Research*, 17, 170-185.
- Markman, H.J., & Halford, W.K. (2005). International perspectives on couple relationship education. *Family Process*, 44, 139-146.
- Moller, A. T., & Merwe, V. J. D. (1997). Irrational belief, interpersonal perception and marital adjustment. *Journal of Rational Emotive and Cognitive Behavioral Therapy*, 15, 260-290.
- Moller, A., T., & Vanzeyl, P.D. (1991). Relationship Beliefs, Interpersonal Perception & Marital Adjustment. *Journal of clinical psychology*, 47, 6-28

- Nickl, T. K.(2006). The relationship between irrational belief and marital satisfaction. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy in educational psychology, northern: Arizona.
- Olson, D. H., & Olson, A. K. (2000). Empowering couples: Building on your strengths Minneapolis, MN: Life Innovations.
- Pascal, A., Christine, A., & Jean, L. (2008). Development and validation of cognitive inventory of subjective distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 23, 1175-1182.
- Pielage, S., Luteinjin, F., Arrindell, W. (2005). Adult attachment, intimacy and psychological distress in a clinical and community sample. *Clinical Psychology and Psychology and Psychotherapy*, 12, 455-464.
- Schaefer. M. T., & Olson, D. H. (1981). Assissing intimacy:the Die PAIR inventory. *Journal of Marital and Family Therapy*, 7, 47-60.
- Sullivan, B., & Swebel, A. (1995). Relationship Beliefs & Expectations of satisfaction in marital relationship. *Family Journal*, 3, 8-28.
- Tolstedt, B. E., & Stokes, J. P. (1983). Relation of Verbal, Affective, And Physical intimacy to marital satisfaction. *Journal of Counseling Psychology*, 30, 573-580
- Wilkler, I. (1998). Child and family assessment. Routledge, Publishing.

Predicting Marital Satisfaction Over The Relational Belief And Marital Intimacy Variables In Normal And Divorced Women In Mashhad

*M.Shahrestany

**M.Doustkam

***H.Rahbardar

****A.Mashhadi

Abstract

The purpose of the current study was to predict marital satisfaction by the relational beliefs and marital intimacy among the normal and divorce women in Mashhad. 125 women who were divorced and 125 women, whose aims were to continue marriage, were participated in the research as sample group (totally 250 women). All the subjects were asked to fill out the Relationship Belief Inventory (RBI) and Marital Intimacy Questionnaire. Discriminant analysis and descriptive statistics methods were used for analyzing data. Results, confirmed the hypotheses suggesting that marital satisfaction was predictable by the relationship beliefs and marital intimacy variables in both normal and divorce women.

Keywords: Divorce, marital intimacy, marital satisfaction, relationship beliefs.

*Department of Psychology, Allame Tabatabaei University, Tehran, Iran (corresponding author email: shahrestany_1366@yahoo.com)

** PH.D Graduated in Psychology, Department of Psychology, shahid Chamran University, Ahwaz, Iran

***PH.D Graduated in Psychology, Department of Psychology, Allame Tabatabaei University, Tehran, Iran

****PH.D Graduated in Psychology, Department of Psychology, Ferdosi University, Mashhad, Iran